در باب صراحت بیان بنیانگذار جمهوری اسلامی در سیاست خارجی مبتنی بر مبانی قرآنی

خمینی یعنی صراحت در مواضع!

■ امیرعلی جهاندار ■

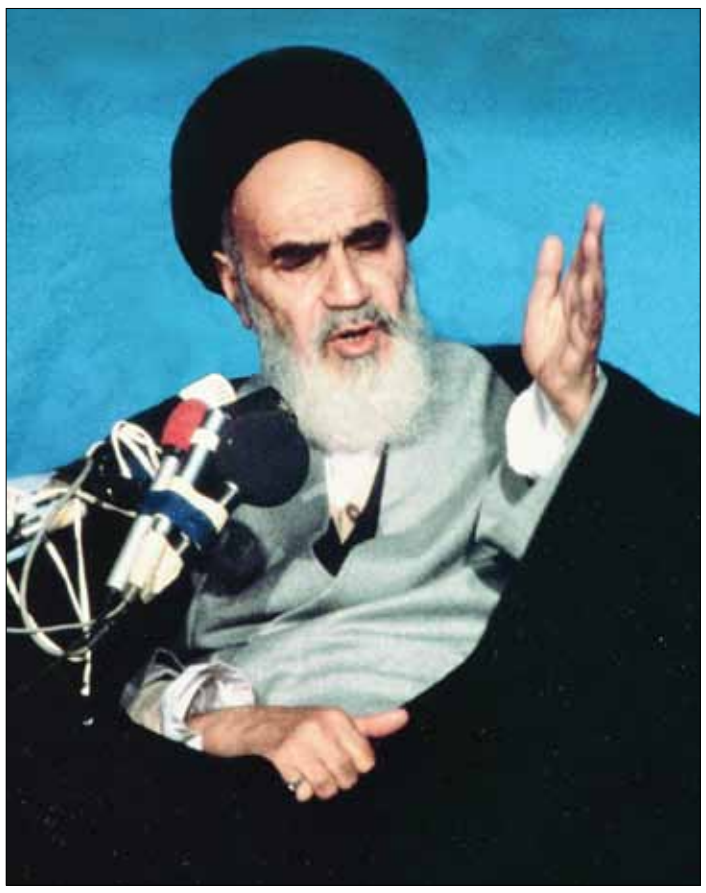

مقدمه: مقام معظم رهبری در دیدار اخیر با فعالان قرآنی کشور به نکته‌ای مهم در روابط بین‌الملل اشاره کردند و آن اینکه: «در راه ایمان قوی باشید، صریح باشید، ثابت‌قدم باشید. بنده اصرار دارم که در زمینه ذکر مبانی اسلامی، آحاد ملت ایران و مسؤولان کشور صریح باشند. صراحت لازم است. بعضی در فکر این هستند که یک دولت باید ارتباطات جهانی داشته باشد؛ بنده هم کاملا معتقدم و تایید می‌کنم اما منافاتی ندارد. می‌توان با صراحت مبانی و اصول را گفت و پیش رفت و توفیق هم پیدا کرد». این تکیه بر صراحت در اصول را می‌توان مبنایی برای یک تحلیل جامع از سیاست خارجه امام قرار داد؛ خمینی کبیر که به‌واسطه خوشامد دیگران قید لایحه قصاص که حکم مسلم دینی است را نزد، از اعلام حکم ارتداد سلمان رشدی دست نکشید و مساله استکبارستیزی را که یک اصل قرآنی است، فراموش نکرد و حتی در وصیتنامه سیاسی- الهی خویش نیز یکی از پررنگ‌ترین مسائل در حوزه سیاست خارجه را مساله استکبارستیزی ملحوظ کرده بود. سیاست خارجی تمام کشورها، در تعامل با محیط است و سیاستمداران و تحلیلگران سیاسی همواره به این موضوع توجه دارند. امام خمینی(ره) اما به دلیل حضور در یک جایگاه فقهی، اصول سیاست خارجه را نیز مبتنی بر اصول و قواعد اسلامی تعبیه کرد.

■ مفهوم‌شناسی سیاست خارجی

علمای علم سیاست، سیاست خارجه را «مجموعه خط‌مشی‌ها، تدابیر، روش‌ها و مواضعی می‌دانند که یک دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی در چارچوب اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی، اعمال می‌کند». در واقع هر دولتی، رفتارهای سیاست خارجی خود را در جهتی تنظیم می‌کند که سرانجام، خواست‌ها و نیازهای امنیتی، استراتژیک، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا نظامی‌اش در کوتاه‌مدت یا بلندمدت تأمین شود و مبتنی بر خاستگاه ایدئولوژیک آن کشور باشد. در واقع در بسیاری از موارد، این تصمیمات، محصول تجربه‌های تاریخی و باورهای سیاسی و اعتقادی است. در حقیقت سیاست خارجه وجوه بیرونی آرمان‌ها، ارزش‌ها، باورها و اعتقادات هر کشور است و در کشوری مانند ایران که دین رسمی آن اسلام و قانون اساسی آن مبتنی بر اصول اسلامی است، سیاست خارجه نیز منبعث از اصول اسلامی است.

■ ۲ شعار مبنایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی

در بحبوحه انقلاب اسلامی، ۲ شعار سرنوشت‌ساز و استراتژیک «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» با الهام از نظریات امام خمینی(ره) موجب رواج اندیشه تازه‌ای در ملت و نخبگان ایران شد. این نظریات که صبغه دینی داشت و برآیند شخصیت مذهبی حضرت امام(ره) و هدایت‌های مکرر او و ساختار عمیق دینی در آحاد ملت ایران بود، با روشن‌بینی و درایت معظم‌له، موجب خروج ایران از دایره بسته جهان دوقطبی و خیزش به سوی افق‌های تازه شد؛ افق‌هایی که اساس آن بر پایه عزت ملی، منافع ملی، حقوق انسانی و احترام متقابل بر مبنای آموزه‌های اسلامی استوار شده بود. در واقع این روند، اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نیز ترسیم می‌کند که به ایجاد یک جامعه اسلامی بر اساس اسلام ناب محمدی، تعارض با اسرائیل و غرب بویژه آمریکا، دفاع از مسلمانان و دفاع از نهضت‌های آزادیبخش و... منجر می‌شود. این دو شعار البته مبتنی بر آیات قرآنی مانند «ولن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا» است که از سیاست عدم وابستگی کشور اسلامی به کفار حکایت دارد.

■ مبانی سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی(ره)

ویژگی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به سایر کشورها در مبانی و چگونگی تکیه بر منابع عقلی و نقلی است. از آنجا که امام خمینی(ره)، رهبری مذهبی و دارای اندیشه سیاسی مبتنی بر اسلام است، بنابراین با توجه به مبانی خاص اسلام از جمله کتاب و سنت، اصولی را بیان کرده است. ارزش‌های اخلاقی و خردورزی، مبانی امام(ره) در سیاست خارجی را شکل می‌دهد. در واقع باید گفت ساختار سیاست خارجی، مبتنی بر پایه التزام به احکام شرع مقدس است و امام(ره) درباره اعمال این سیاست‌های قرآنی صراحت لهجه کاملی را از خود نشان می‌داد. به عنوان مثال امام(ره) درباره تعاملات بین‌المللی می‌فرماید: «معنا ندارد که دولت اسلامی ایران با دولتی که هیچ اعتقاد به اسلام و به اخلاق بشریت ندارد، سر میز اصلاح بنشینند». باید گفت مبنای اصلی دفاع از مستضعفان و محرومان، در سیاست خارجی از نگاه امام(ره)، قرآن کریم و روایات معصومین است. ایشان درباره یاری مظلومان به سخن امام علی علیه‌السلام استناد می‌کند و آن را مبنای خود قرار می‌دهد که: «کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً؛ دشمن ستمگر و یار ستمدیده باشید».

■ اصول سیاست خارجی حکومت اسلامی از دیدگاه امام(ره)

در حقیقت خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فرد حضرت امام خمینی(ره) مانند فقاهت، شجاعت، سازش‌ناپذیری، قاطعیت، صراحت، خلوص و عرفان به گونه‌ای بود که نقش پرقدرتی را برای ایشان ایجاد می‌کرد و این نقش رهبری در چگونگی اتخاذ تصمیمات در ابعاد داخلی و خارجی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود. اصول سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی(ره) عبارتند از:

۱- اصل صدور انقلاب

صدور انقلاب به معنای صادر کردن تجربه‌های انقلاب اسلامی به سایر کشورهای جهان از موضوعات مورد توجه امام بوده است. از دیدگاه امام خمینی(ره) منظور از صدور انقلاب، همان گسترش اسلام است. باور و اعتقاد امام در این باره چنین است: «ما با صدور انقلاب‌مان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله است به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم». از نگاه ایشان، برای پیروزی بر مشکلات، باید برابر همه قدرت‌ها ایستاد و ارزش‌های انسانی را از اینجا به سایر نقاط جهان صادر کرد. در واقع صدور انقلاب در نگاه ایشان، صبغه فرهنگی دارد. برخی می‌گویند: «صدور انقلاب به مثابه اصلی بنیادی در سیاست خارجی، همچون خود انقلاب ایران، بازتاب پویایی سیاسی داخلی ایران است».

به نظر حضرت امام(ره) هدف اصلی سیاست خارجی ایران از همان آغاز به کار حکومت، تبلیغ و گسترش اسلام انقلابی بود. این هدف در وظیفه‌ای ریشه داشت که قرآن برای مسلمانان در جهت تحقق و تبلیغ پیام الهی در سراسر گیتی معین کرده است.

حضرت امام(ره) درباره صدور انقلاب می‌فرماید: «ما باید با شدت هرچه بیشتر، انقلاب خود را به جهان صادر کنیم و این طرز فکر را که قادر به صدور انقلاب نیستیم کنار بگذاریم، زیرا اسلام بین کشورهای اسلامی تمایز قائل نیست. ما حامی تمام محرومان می‌باشیم. همه ابرقدرت‌ها و همه قدرت‌ها برای از بین بردن ما برخاسته‌اند. اگر ما در محیط محدودی باقی بمانیم، قطعا با شکست روبه‌رو می‌شویم». امام در جایی دیگر می‌فرماید: «ما انقلاب‌مان را به تمام جهان صادر می‌کنیم، چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ «لا إله إلا الله و محمد رسول الله» در تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبران هست، ما هستیم».

دیدگاه متفاوت امام با جریان غربگرایی که معتقد است «امیدواریم کلمه «مرگ» جمع شود» آنجا نمایان می‌شود که با صراحت در پشت تریبون می‌فرمایند: «از خدا می‌خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه‌تنها از کعبه مسلمین که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ آمریکا و شوروی را به صدا درآوریم». البته امام خمینی(ره) برای جلوگیری از سوءاستفاده از معنای صدور انقلاب و برداشت‌های منفی از آن، یادآور می‌شود: «اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه‌جا صادر بشود، این معنای غلط را از آن برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و (نجات) دادند، دست آنها را از مخازن کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود. معنای صدور انقلاب این است که همه ملت‌ها و همه دولت‌ها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری‌ای که دارند، نجات بدهند». با توجه به مطالب بالا می‌توان به این نتیجه رسید که صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی، همان صدور اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله است که جزو رسالت‌ها و تعهدات دولت اسلامی به شمار می‌رود و در نتیجه، حمایت از ملت‌های محروم و مستضعف و حمایت از حکومت جهانی اسلام در این راستا، مفهوم و معنا پیدا می‌کند.

۲- اصل نفی سبیل

از دیگر اصول سیاست خارجی امام خمینی(ره)، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است. ایشان برای حیات و زندگی زیر سلطه دیگران ارزشی قائل نیستند، بلکه ارزش حیات را به آزادی و استقلال می‌دانند و با توجه به آیه شریفه (لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً)؛ «خداوند سلطه‌ای برای کافران بر مؤمنان قرار نداده»، می‌فرماید: «ما منطق‌مان، منطق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید. ما هم می‌خواهیم نرویم زیر سلطه».

۳- دفاع از کیان اسلام و مسلمانان

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، برنامه سیاست خارجی ایران را برنامه اسلام ذکر می‌کند و می‌فرماید: «ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است...». ایشان در جای دیگر، دفاع از تمام مسلمین را لازم شمرده، می‌فرماید: «ما کشور را، کشور ایران نمی‌دانیم، ما همه ممالک اسلامی را از خودمان می‌دانیم، مسلم باید اینطور باشد. ما دفاع از همه مسلمین را لازم می‌دانیم». موضع امام(ره) درباره دفاع از کیان اسلام را می‌توان در ۲ ماجرا در زمان حیات ایشان به وضوح دید؛ یکی برخورد امام با معترضان به لایحه قصاص که آن را خلاف حقوق‌بشر و غیرانسانی می‌دانستند و امام می‌فرماید: «من ۲ تا اعلامیه از «جبهه ملی» که دعوت به راهپیمایی کرده است، دیدم. در یکی از این دو اعلامیه، جزء انگیزه‌ای که برای راهپیمایی قرار داده‌اند، لایحه «قصاص» است. یعنی مردم ایران را دعوت کردند که مقابل لایحه قصاص بایستند. در اعلامیه دیگری که منتشر کرده بودند تعبیر این بود که «لایحه غیرانسانی»! ملت مسلمان را دعوت می‌کنند که در مقابل لایحه قصاص راهپیمایی کنند، یعنی چه؟ یعنی در مقابل نص قرآن کریم راهپیمایی کنند! شما را دعوت به قیام و استقامت و راهپیمایی می‌کنند در مقابل قرآن کریم؛ نص قرآن کریم؛ ضروری مسلمین! چه برادران اهل سنت و چه برادران شیعی، ضروری این است که این قرآن از خداست و در قرآن هرچه باشد ضروری است که باید پذیرفت. قضیه «قصاص» در جاهایی از قرآن تصریح شده است». ایشان در مقابل انتشار کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی نیز به صورت قاطع و صریح عمل و حکم ارتداد وی را صادر کرد. در آن برهه نیز برخی تلاش داشتند امام را از بیان موضع رسمی به جهت حفظ روابط دیپلماتیک برحذر دارند اما امام بیانیه‌ای قاطع صادر کرد که در آن آمده بود: «به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم شده‌است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام هستند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعا آنها را اعدام کنند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هرکس که در این راه کشته شود، شهید است ان‌شاءالله؛ ضمنا اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی کند تا به جزای اعمالش برسد. والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته».

ولایتی درباره موضع امام می‌گوید: «بارها شاهد پیشنهادهای گوناگون بودیم اما امام در مقابل همه پیشنهادهای سازش می‌ایستاد. درباره سلمان رشدی نیز واکنش ایشان تاریخی بود، بسیاری را بیدار کرد و به بسیاری دیگر شجاعت داد؛ در واقع جهان اسلام را بیدار کرد. من از نزدیکان امام، با واسطه شنیدم که وقتی امام این موضوع را شنیدند و فتوا دادند، در اتاق خود قدم می‌زدند و می‌گفتند دریغ از جوانی؛ یعنی اگر خود من جوان بودم، می‌رفتم و با سلمان رشدی می‌جنگیدم. این صلابت امام را در دفاع از ارزش‌های اسلامی نشان می‌دهد. بازتاب واکنش امام در جهان اسلام مشهود است و نهضت مقابله با توهین به مقدسات اسلام در جهان جدی است».

۴- اصل احترام متقابل و عدم دخالت در امور یکدیگر

امام خمینی(ره) درباره احترام متقابل و عدم دخالت در امور یکدیگر بر این عقیده است که: «ما با هیچ ملتی بد نیستیم. اسلام آمده برای تمام ملل، برای ناس... ما اعلام می‌کنیم که نظر تجاوز به هیچ‌یک از کشورهای اسلامی و غیراسلامی نداریم...» ایشان در جای دیگر فرمود: «ملت ایران اجازه نمی‌دهد که هیچ مملکتی در امور داخلی او دخالت کند و آزادی و استقلال خودش را حفظ می‌کند و با تمام کشورها هم به طور متقابل عمل خواهد کرد».

حضرت امام در موارد متعدد به این مساله (روابط حسنه و متقابل) در سیاست خارجی اشاره کرده است. وقتی خبرنگار مجله آمریکایی تایم از ایشان می‌پرسد: «در جمهوری اسلامی، به طور کلی سیاست خارجی شما چگونه خواهد بود؟» امام در جواب می‌فرماید: «جمهوری اسلامی ما با تمام ممالک روابط حسنه دارد و احترام متقابل قائل است در صورتی که آنها هم احترام متقابل قائل باشند».

۵- اصل نفی ظلم و حمایت از مظلوم

امام خمینی(ره) با استناد به سیره انبیا، ملت اسلام را پیرو مکتبی می‌دانست که برنامه آن، در ۲ جمله «نه ستم کنید» و «نه مورد ستم قرار گیرید» (لا تَظلِمون و لا تُظلَمون) خلاصه می‌شود. ایشان در سخنان خود در جمع سفرا (در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۲) فرمود: «ما نه ظلم خواهیم کرد و نه مظلوم واقع خواهیم شد». امام در واقع می‌خواهد با ابرقدرت‌ها و ظالمان، مخالفت شود. ایشان سازش با ظالم را ظلم به مظلومان و ظلم به شرع و خلاف رأی انبیا می‌دانست: «ما تحت رهبری پیغمبر اسلام، این دو کلمه را می‌خواهیم اجرا کنیم: نه ظالم باشیم و نه مظلوم...». آنچه قابل توجه است در بیان مبارزه با ظالم امام صراحت را مدنظر قرار می‌دهد و با صراحت می‌فرماید: «آنهایی که به ما اشکال می‌کنند که شما چرا سازش نمی‌کنید با این قدرت‌های فاسد، آنها از باب اینکه همه‌چیز را با چشم مادی ملاحظه می‌کنند، با چشم طبیعی حل‌وفصل اشیا را می‌کنند. آنها نمی‌دانند که انبیای خدا چه رویه‌ای داشتند؟ با ظالم چطور برخورد می‌کردند؟ یا می‌دانند و خودشان را به کوری و کری زدند؟ سازش با ظالم، ظلم بر مظلومان است، سازش با ابرقدرت‌ها، ظلم بر بشر است. آنهایی که به ما می‌گویند سازش کنید، آنها یا جاهل هستند یا مزدور. سازش با ظالم، یعنی اینکه دست ظالم را باز کن تا ظلم کند. این خلاف رأی تمام انبیاست. انبیای عظام، تا آنجا که توانستند جدیت کردند که ظلم را از این بشر ظالم بزدایند، به موعظه، به نصیحت، به امر به معروف، به نهی از منکر، به «اَنْزَلْنَا الْحَدیدَ فیه بِأسٌ شَدیدٌ»، «آخَر الدواء الکی»؛ بعد از آنکه موعظه نشد، نصیحت نشد، آخر دوا این است که داغش کنند. شمشیر، آخِرْ دواست».

۶- اصل نه شرقی، نه غربی

این اصل که از شعارهای اساسی مردم در انقلاب بود، برگرفته از سخنان امام خمینی(ره) است که در موارد متعدد به آن اشاره فرموده است: «ملت ایران بدون اتکا به غرب و شرق می‌خواهد روی پای خود بایستد و بر سرمایه‌های مذهبی و ملی خود استوار باش». ایشان در جای دیگر نیز به معنای این شعار توجه می‌دهد: «اینکه جوانان ما می‌گویند «نه شرقی، نه غربی» معنایش این است که هیچ کدام در ایران دخالت نکنند و این کاملا بجا و بحق است».

در واقع ایشان به دنبال دولت اسلامی آزاد و مستقل بود که فارغ از گرایش به غرب و شرق باشد و تعادل قوا، در این منطقه از جهان حفظ شود. امام خمینی(ره) در این زمینه حتی مساله «استقلال اقتصادی» را بسیار حائز اهمیت می‌دانست و برای آنکه ایران مقتدر و مستقل شکل گیرد، تاکیدات فراوانی بر «خودکفایی» داشت.

■ اهداف سیاست خارجی از دیدگاه امام(ره)

۱- شکل‌گیری ایران اسلامی مستقل

به‌رغم فشارهای بین‌المللی و بحران‌های داخلی، ایران هیچ‌گاه منزوی و دور از صحنه‌های سیاسی نبود، بلکه حضرت امام همواره حریم واقعی ملت ایران و حقوق و حرمت پایمال شده آنها را گوشزد می‌کرد و هر نوع رابطه مرز اصطکاک با این اصل را مورد ارزشیابی منفی یا مثبت قرار می‌داد؛ زیرا استقلال سیاسی از اصول تأمین‌کننده عزت جامعه اسلامی است. امام خمینی(ره) ریشه‌های آسیب به استقلال را فکری- فرهنگی ارزیابی کرده و بزرگ‌ترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرت‌ها و مستکبران را وابستگی فکری و درونی می‌شمرد که سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد. «ایشان راهکار رسیدن به مقصود و کسب استقلال فکری و رهایی از وابستگی را در دریافتن مفاخر ملی- فرهنگی می‌دانست و بزرگ‌ترین فاجعه برای ملت ما را وابستگی فکری می‌شمرد؛ به گونه‌ای که گمان می‌کنیم همه چیز از غرب است و ما در همه ابعاد فقیریم و باید از خارج وارد کنیم».

البته وقتی سخن از استقلال در سیاست خارجی یک کشور به میان می‌آید، منظور استقلال در ۳ مرحله «سیاست‌گذاری»، «برنامه‌ریزی» و «اجرای تصمیم» است که مصادیق آن در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دفاعی و ... ظاهر می‌شود. اگرچه در نگاه نخست، استقلال سیاسی با اهمیت به نظر می‌رسد اما از دیدگاه امام(ره) استقلال فرهنگی مهم‌تر از آن است.

بنابراین برای دستیابی به استقلال باید به خودباوری فکری و خودیابی دست یافت. امام در این باره می‌فرماید: «اساس، باور این دو مطلب است: باور ضعف و سستی و ناتوانی و باور قدرت و قوه و توانایی. اگر ملت این باور را داشته باشد که ما می‌توانیم در مقابل قدرت‌های بزرگ بایستیم، این باور، اسباب این می‌شود که توانایی پیدا می‌کنند و در مقابل قدرت‌های بزرگ ایستادگی می‌کنند».

البته ایشان از وابستگی اقتصادی که به وابستگی سیاسی می‌انجامد نیز غافل نشده و توصیه می‌فرمود: «کار کردن شما و فعال بودن شما، علاوه بر ارزش‌های مادی و معنوی که برای شما دارد، کشور شما را از وابستگی نجات می‌دهد».

۲- وحدت امت اسلامی در سر تاسر جهان اسلام

در نظر حضرت امام(ره) وحدت میان مسلمانان و مستضعفان و دیگر دولت‌های اسلامی، چاره‌ساز گرفتاری‌هاست و همواره از سران کشورهای اسلامی می‌خواست برابر دشمن خارجی، وحدت کلمه داشته باشند: «هان! ای مسلمانان جهان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، به پا خیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید...».

۳- پشتیبانی و کمک به نهضت‌های آزادیبخش

از دیدگاه امام خمینی(ره)، مستضعفان باید برای رهایی از شر فساد و برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه انسانی، دست در دست هم دهند و قدرت مستکبران را محدود سازند و در این راه، بنای سیاست ایران بر حمایت از آنهاست: «جمهوری اسلامی ایران، هم در کنار شما و هم در کنار همه مسلمانان، بلکه در کنار همه مستضعفان جهان خواهد بود». ایشان در ارتباط با کمک به نهضت‌های آزادیبخش جهان می‌فرماید: «ملت آزاده ایران، هم‌اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنان که منطق‌شان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است کاملا پشتیبانی می‌نماید. ما از تمام نهضت‌های آزادیبخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم». و در جای دیگر امام درباره حمایت از این جنبش‌ها تا رسیدن به جامعه آزاد، می‌گوید: «من بار دیگر از تمام جنبش‌های آزادیبخش جهان پشتیبانی می‌نمایم و امیدوارم آنان برای تحقق جامعه آزاد خویش پیروز شوند. امید است دولت اسلامی در مواقع مقتضی به آنان کمک کند». امام در حمایت از نهضت‌های آزادیبخش هیچگاه تساهل یا بیان سست نداشت و همیشه آن را خط قرمز جمهوری اسلامی می‌دانست که مبتنی بر آیات قرآنی باید نسبت به آن با صراحت برخورد شود.

۴- روابط بر پایه مبانی اسلامی و انسانی

ایشان با بیان این نکته که روابط انسانی با هیچ‌جا مانعی ندارد و ما با ملت‌ها خوب هستیم، فرموده است: «باید روابط بین ملت‌ها بر اساس مسائل معنوی باشد و در این رابطه، بعد مسافت تأثیری ندارد و چه بسا کشورهایی که همجوار هستند اما رابطه معنوی بین آنها نیست، بنابراین روابط دیگر هم نمی‌تواند مثمرثمر باشد. ما روابط‌مان با کشورها بر اساس مبانی اسلامی خواهد بود».

■ جمع‌بندی

می‌توان با توجه به موضع‌گیری‌ها و رفتارهای امام در حوزه سیاست خارجی، ایشان را مصداق کاملی از «صراحت در بیان مبانی و اصول» دانست که در خط خود ذره‌ای عقب‌نشینی یا بیان دوپهلو و ایهام‌آور نداشته و همواره بر خط اصیل اسلام ناب محمدی قدم برداشته است.

خاطرات جبهه ۸

■ چک برگشتی

یادم می‌آید زمستان سال ۶۵ بود. بسیج در چند نقطه چادر زده بود و برای جبهه ثبت‌نام می‌کرد. من هم رفتم فرم گرفتم پر کردم. مانده بود امضای ولی که می‌دانستم پدرم مطلقا این کار را نمی‌کند. چند روز گذشت. شوهر خواهرم که آدم شوخی هم بود آمد منزل ما. موضوع را با او در میان گذاشتم و قبول کرد و فرم را از من گرفت و یک امضا پایش انداخت. خیلی خوشحال شدم. فردای آن روز فرم را به چادر تبلیغات بردم. مسؤول پذیرش نگاهی به آن انداخت و بعد سرش را بلند کرد، دیدم دارد می‌خندد. گفتم: چی شده؟ گفت: نوشته امضا را بخوان. نوشته بود: «به هیچ وجه او را به جبهه نبرید». کلی خجالت کشیدم. برگشتم خانه. چند روز مانده بود به اعزام سپاهیان حضرت مهدی (عج). روز اعزام به سپاه رفتم. لباس هم گرفتم ولی موقع سوارشدن به اتوبوس جلویم را گرفتند. گذشت تا سال ۶۶. این بار دیگر به خانواده چیزی نگفتم. می‌دانستم که نمی‌گذارند. صبح روز حرکت کیف و کتاب مدرسه را به یکی از دوستانم دادم و گفتم چند روز دیگر آنها را ببرد خانه ما و خودم یکسره رفتم سپاه. چیزی به حرکت اتوبوس‌ها نمانده بود که دیدم مادرم و شوهرخواهرم- که تازه از منطقه مرخصی آمده بود- خودشان را رساندند سپاه. پدرم از شدت ناراحتی نیامده بود. سه نفری مرا گرفتند و بردند منزل خواهرم که نزدیک سپاه بود. هیچ راهی نداشت. از روی عصبانیت گلوی دختر خواهرم را گرفتم و گفتم: اگر نگذارید بروم خفه‌اش می‌کنم! این کار هم چندان فایده‌ای نداشت. ساعت یازده نیروها راه افتادند. ساکت شدم و وضعیت را عادی جلوه دادم. بعد که سرشان گرم شد از دیوار حیاط پریدم به خیابان. دستم مختصری زخمی شد. با آن لباس‌های گشاد بسیجی، شروع کردم به دویدن. رسیدم به سپاه. هنوز یکی دو تا اتوبوس‌ها نرفته بودند. سوار شدم. مادرم یک ساک برایم آورده و آن را از پنجره داد و هیچ حرفی نزد. راه خروج از شهر از جلوی خانه‌مان می‌گذشت. پدرم را دیدم که فوق العاده عصبی است و جلوی در ایستاده. سرم را از شیشه ماشین بیرون آوردم و با صدای بلند با او خداحافظی کردم اما سرش را هم برنگرداند که جوابم را بدهد.

■ پدال دیگر چیست؟

منزل یکی از دوستان بودیم. بعد از شام صحبت شد و حرف منطقه پیش آمد. گفتند: فردا اعزام است. همان جا قرار گذاشتیم و همه برای رفتن اعلام آمادگی کردیم. من اولین باری بود که می‌خواستم به جبهه بروم. صبح ساعت ۶ داشتم از در می‌زدم بیرون که پدرم جلویم سبز شد: کجا؟ منظورش این بود که شما هفت صبح مدرسه دارید! سریع دروغی به ذهنم آمد. گفتم: امتحان دارم، می‌روم کمی درس بخوانم. همان روز اعزام شدیم. مدت ۴۵ روز آموزش دیدیم. از آنجا رفتیم منطقه. تقسیم شدیم و مرا روی پدافندهوایی گذاشتند.

سر و کله هواپیماهای دشمن برای بمباران پیدا شد. من تا آن زمان با پدافند کار نکرده بودم. یکدفعه پایم رفت پایین روی پدال حدود سی تیر پی درپی در رفت. خودم خیلی ترسیدم. ولی بعد هر کاری کردم دیگر شلیک نکرد. شروع کردم فریاد زدن: کمک، کمک، پدافند گیر کرد. فرمانده‌مان آن حوالی بود. آمد پهلویم. چشمش که به پدال افتاد یک خنده‌ای کرد و گفت: پسر پدال را فشار بده. هنوز نمی‌دانستم پدال چیست و به چه دردی می‌خورد. با تعجب پرسیدم: پدال دیگر چیست؟ در همین اثنا دوباره هواپیماها آمدند. فرمانده فریاد زد: بزن، بزن، الان اوج می‌گیرند. کمی هاج و واج این طرف و آن طرف را نگاه کردم و از پدافند پیاده شدم و الفرار. یکی از بچه‌های چادر هم که با من بود دنبالم آمد و تا جایی که می‌توانستیم دور شدیم. یک ساعت بعد فرمانده خنده‌کنان آمد به چادر و مجبور شدیم یک هفته آموزش پدافند هوایی ببینیم.

مدتی گذشت و برای پشتیبانی توپخانه به پشت خط اعزام شدیم. عملیات والفجر مقدماتی (۶۱/۱۱/۱۷- فکه، چزابه) در پیش بود و باید هرچه زودتر به منطقه می‌رفتیم. سه ساعت راه آمدیم تا به محل استقرار رسیدیم. قبل از اینکه پیاده شویم راننده دستش رفت روی چراغ و دشمن با دیدن روشنایی آن محل را گرفت زیر گلوله. راننده که ترسیده بود، پیاده شد و دوید. ما هم که تا به حال جنگ ندیده بودیم پشت سر او. حتی از او هم جلو زدیم. در حین فرار به نیروهای پیاده برخوردیم که برای عملیات می‌رفتند. همین طوری خودم را قاطی آنها کردم، بدون اطلاع فرمانده و بچه‌های گروه. دو، سه ساعت راه رفتیم تا به منطقه عملیاتی رسیدیم. با پیام فرمانده حمله شروع شد. من که تفنگ نداشتم تکبیر می‌گفتم. عراقی‌ها متوجه نیروهای ما شدند و آتش زیادی روی سرمان ریختند. خودم را به داخل کانالی انداختم و تا ساعت شش صبح آنجا ماندم و قبل از روشن شدن هوا برگشتم عقب.

منبع: دائره‌المعارف «فرهنگ جبهه»